

نگاهی به رمان «شغل پدر» نوشته سُرژ شالاندون

شغل پدر / سُرژ شالاندون / مهستی بحرینی / انتشارات نیلوفر / چاپ پنجم / سال ۱۴۰۲

مصطفی بیان / داستان نویس

سُرژ شالاندون^۱، متولد سال ۱۹۵۲ در تونس، نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی است. تا سال ۲۰۲۱، ده رمان از وی منتشر شده است؛ که رمان «شغل پدر» هفتمین کتاب شالاندون است که در سال ۲۰۱۵ منتشر و در سال ۱۳۹۷ با ترجمه مهستی بحرینی توسط نشر نیلوفر منتشر شد و تا سال ۱۳۹۹ به چاپ چهارم در ایران رسید.



شالاندون با پدر، مادر و برادرش در لیون بزرگ شد. پدرش به شدت خشن بود و رفتار پدر، زندگی خانوادگی او را دشوار می‌کرد. وقتی شالاندون ده ساله بود، پدر بزرگش برای او فاش کرد که پدرش در طول جنگ جهانی دوم، برخلاف داستان‌های قهرمانانه‌ای که در طول دوران کودکی‌اش برای او تعریف کرده بود، همکار نازی‌ها بوده است. سال ۲۰۲۰ بود که او شش سال بعد از مرگ پدرش، ماهیت و میزان همکاری او را با حزب نازی دانست. خاطرات او درباره این موضوع در فهرست نهایی جایزه Goncourt در سال ۲۰۲۱ قرار گرفت.

در ۲۱ سالگی وارد هنر نقاشی و کاریکاتور شد. او از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۷ به عنوان روزنامه‌نگار برای روزنامه کار کرد و از جمله به پوشش رویدادهای لبنان، ایران، عراق، سومالی و افغانستان پرداخت.

پس از مدت‌ها فعالیت در روزنامه‌نگاری، به ادبیات روی آورد. بسیاری از آثارش جوایزی ادبی مانند جایزه آکادمی فرانسه را دریافت کرده است و همچنین در فهرست نهایی جایزه گنکور قرار گرفته.

1. chalandon sorj

داستان «شغل پدر» دربارهٔ یک نوجوان دوازده ساله است که پدرش و تخصص‌های او را در حد پرستش دوست دارد. بعد از این که پدر، مشاور شخصی به نام دوگل می‌شود، پسر را به ماموریت‌های خطرناکی می‌فرستد تا بتوانند الجزایر را نجات بدهند.

پدر امیل ضد قهرمان است

پدر امیل، نه کارگر است، نه کارمند، نه رستوران‌دار و نه نانوا. پدر او یک کشیش پانتکوتیست (تاکید این گروه بر لزوم نوسازی مذاهب و کرامات کلیسای اولیه بود)، یک سرباز، یک چترباز، یک معلم جودو و حتی یک فوتبالیست حرفه‌ایست و اکنون خود را به عنوان یک «مامور مخفی» تعریف می‌کند. در واقع امیل، پدری مثل بقیه ندارد. او مردی است که فرزندش را نیمه شب از خواب بیدار می‌کند تا با وجود آسم، دمبل بزند. او می‌خواهد او را برای مقاومت تربیت کند.

پدر، پس از کودتا، دیگر از دوگل حمایت نکرد و به الجزایر فرانسوی رای داد؛ با این حال، قبلاً از ژنرال قدردانی می‌کرد و حتی ادعا می‌کرد که بهترین مشاور او بوده است. او همچنین دوست داشت از فرزند دوازده ساله‌اش، یک سرباز کوچک بسازد.

در داستان هم طنز وجود دارد و هم ترس. امیل خوش شانس است که پدری دارد که قهرمان جودوی جهان، کشیش، مامور مخفی و دوست صمیمی دوگل است. پس بدیهی است که امیل از داشتن چنین پدری خسته نمی‌شود: بعد از آموزش نظامی، امیل باید نامه‌های ناشناس را برای دوگل ارسال کند، مخفیگاه بسازد و برای نوریف، که اخیراً از اتحاد جماهیر شوروی خارج شده بود، مخفی‌گاه پیدا کند.

در طول داستان، نویسنده سرنخ‌هایی را به خواننده می‌دهد که او را به این فکر می‌اندازد که شاید امیل و سُرژ (نویسنده) یک نفر باشند. همچنین به نظر می‌رسد نویسنده به ما می‌گوید که فقط از طریق طنز است که می‌توانیم داستانی را بگوییم که در عین حال بسیار غیرمحمتمل، خنده‌دار و سخت است.

کتاب «شغل پدر» شامل ۲۲ فصل در ۲۸۰ صفحه است. داستان با مراسم خاکسپاری پدر شروع می‌شود و سپس زمان به ۵۰ سال عقب برمی‌گردد: یکشنبه ۲۳ آوریل ۱۹۶۱ زمانی که در الجزایر کودتای نظامی رخ می‌دهد. پدر بسیار خشمگین است. امیل دوازده سال دارد و همراه مادر در آشپزخانه سوپ هفتگی‌شان را درست می‌کند. پدر خبر می‌آورد: «یک گروه شورشی در الجزایر قدرت را به دست گرفته‌اند.»

ژنرال دوگل که رئیس‌جمهور فرانسه بود استقلال دوازده کشور آفریقایی از جمله الجزایر را اعلام کرد و آن کشورها را در وابستگی یا عدم وابستگی اقتصادی به فرانسه آزاد گذاشت، با رهبران نظامی خود مشورت کرد و با انقلابیون الجزایر صلح کرد. در این زمان است که پدر امیل مخالف رئیس‌جمهور دوگل می‌شود و به الجزایر فرانسه رای می‌دهد.



ژنرال دوگل

«فریاد پدرم بر ضد دوگل. تمام شب» متن داستان...

«دوگل وطنش را دوست ندارد. چوب حراج به آن زده. تکه تکه می فروشدش، به روس ها و اراذل. تاکید کرد مراقب پلیس، کمونیست ها و عرب ها باشد.» متن داستان ...

امیل دوازده ساله دوست دارد مانند پدرش و همچنین سلان، شان، ژوهر، زلر (چهار ژنرال سابق فرانسوی در الجزایر) شورشی باشد. می خواهد الجزایر فرانسوی بماند در حالی که نمی داند الجزایر کجاست!

«هر انسانی دو وطن دارد، فرانسه و وطن خودش» (صفحه ۷۹ کتاب)

در ادامه داستان، پدر و پسر در آشپزخانه تصمیم می گیرند تا رئیس جمهور دوگل را ترور کنند.

شبهات دو شخصیت دایی جان ناپلئون در داستان ایرج پزشک‌زاد و پدر امیلی در داستان سُرژ شالاندون.

در رمان تاریخی نوین، ملت در حال تجربه تاریخی و دگرگونی‌های اجتماعی است. هر رمان، مستقیم یا غیرمستقیم توصیفی از جامعه‌ای خاص در زمانه‌ای معین است. به قول سیمین دانشور: «هر نویسنده‌ای یکپا مورخ است، منتها تاریخ‌نویس دل آدمی در روزگاری خاص». رمان «شغل پدر» سُرژ شالاندون و یا «دایی جان ناپلئون» ایرج پزشک‌زاد از دیدگاه طنزآمیز به زندگی و کنش‌های یک طبقه خاص سال‌های نیمه اول قرن بیستم فرانسه و ایران می‌پردازد. هر دو اثر از آن دسته رمان‌های تاریخ‌گرا خبر هستند که در پی خود، موجی از رمان‌های شرح احوالی پدید می‌آورند.

ایرج پزشک‌زاد متولد سال ۱۹۲۷ است و در رمان طنزآمیز «دایی جان ناپلئون» (۱۹۷۲) تحولات سال‌های دهه ۲۰ خورشیدی (نیمه اول قرن بیستم) را در قالب داستانی شیرین به قلم می‌آورد.

هر دو داستان «شغل پدر» و «دایی جان ناپلئون» در دستهٔ رمان‌های طنزآمیز تاریخ‌گرا قرار دارند و داستان از دید پسر نوجوان روایت می‌شود. شخصیت‌های اصلی هر دو داستان نمی‌توانند رویدادهای واقعی را درک کنند، سردرگم می‌شود و از آنجا که می‌خواهند دنیای در حال سقوط را حفظ کنند، وضعیت را تراژیک می‌یابند. برای گریز از واقعیت‌ها، دنیای خیالی برای خویش می‌آفرینند و به آن پناه می‌گیرند. دایی که خود را در حد ناپلئون می‌پندارد و پدر امیلی، خود را در حد سربازان نیروی امنیتی و جاسوسی برای مبارزه با دولت وقت. هر دو شخصیت به جهانی رویایی می‌روند و ماجراهای بسیاری را از سر می‌گذرانند و بدینسان برای حفظ شوکتی درون تهی به فریب دیگران می‌پردازند. مبارزات این دو نیروی مبارز، دو نیروی اجتماعی کهنه را از نو بازتاب می‌دهد. هر دو در وجود خود دشمنان خویش را می‌بینند و هر دو شخصیت بیمارگونه دارند. هر دو خیالاتی‌اند و در محلی نابه‌جا قرار گرفته‌اند. همهٔ شخصیت‌ها روابطی بیمارگونه دارند. همه به نحوی در ماجرای که زاییدهٔ تخیل بیمار دایی جان و پدر امیلی است، درگیر می‌شوند.

هر دو نویسنده، ایرج پزشک‌زاد و سرژ شالاندون، در رمان‌های خود موفق به نمایش یک دوران خاص، از ورای اعمال و حرف‌های شخصیت‌های داستانی خویش می‌شوند؛ دوره‌ای که بیمارگونگی‌اش را به دوره‌های بعد انتقال می‌دهد.

سرانجام، هر دو قهرمان داستان تسلیم می‌شوند و عاقبت به آرامش می‌رسند و از دنیا می‌روند.

وقایع هر دو داستان، در زمان جنگ دوم جهانی رخ می‌دهد. *راوی «شغل پدر»*، داستان را از روزی شروع می‌کند که در آشپزخانه کنار مادرش نشسته و در حال آماد کردن ناهار هستند که پدر سراسیمه وارد خانه می‌شوند و خبر از آغاز جنگ می‌دهد!

از این منظر، *دایی جان ناپلئون ایرانی* و *شغل پدر فرانسوی* بسیار به هم شبیه هستند. شخصیت‌های این رمان‌ها، سعی می‌کنند دشمن خود را نیز در خود شبیه‌سازی کنند و به این ترتیب، به کاریکاتوری تبدیل می‌شوند که خود را بسیار بزرگ و بااهمیت می‌شمارد طوری که برای رهایی از چنگال دشمنانشان دایی جان به هیتلر و پدر امیلی به رئیس جمهور فرانسه نامه می‌نویسد.